

نظم نوین انقلابی!

علی شکوهی

تصویر سیاسی جهان که تغییر کرد طبعاً باید سیاست خارجی ایران هم متناسب با آن تغییر می‌کرد اما چنین نشد. در نظام دوقطبی، دو ابرقدرت با تمامی توان اعتقادی، سیاسی و نظامی در مقابل یکدیگر صف بسته بودند ولی جنگ جدی میان آنها رخ نداد و هر چه بود جنگ‌های نیابتی بود که در بسیاری از مناطق جهان جریان داشت و دست دو ابرقدرت به نوعی در ایجاد و تداوم آن جنگ‌ها قابل مشاهده بود. با سقوط شوروی تصویر سیاسی جهان درهم ریخت و آمریکا تلاش کرد پیروزی در جنگ سرد را به ابزاری برای تاسیس نظام تک‌قطبی بین‌المللی تبدیل کند که در عمل موفق نشد. از این مقطع جمهوری اسلامی داوطلبانه هویت خود را با ضدیت با آمریکا تعریف کرد و چنین القا شد که جمهوری اسلامی در عمل جایگزین شوروی شده و تعارض سیاسی آمریکا و ایران از این پس به عنوان اصلی‌ترین تعارض در مناسبات جهانی قابل اشاره است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند آمریکا بعد از سقوط شوروی به یک دشمن نیاز داشت تا بودنش در بسیاری از کشورها و مداخلاتش در بسیاری از امور کشورهای دیگر توجیه داشته باشد و به همین دلیل نظریه پردازان و تصمیم‌سازان غربی تلاش کردند «اسلام‌هراسی» را دامن بزنند و تعارض لیبرالیسم غربی و اسلام انقلابی را به مثابه اصلی‌ترین نزاع اعتقادی و تضاد آمریکا و ایران را به عنوان جدی‌ترین تعارض سیاسی جایگزین کمونیسم و شوروی کنند. براساس این تحلیل، نجات اسرائیل هم به عمده شدن این تعارض وابسته بود زیرا با تبدیل جمهوری اسلامی به یک تهدید منطقه‌ای، بسیاری از متحدان عرب آمریکا، مجبور بودند مشکل خود با اسرائیل را حل کنند و به تدریج این رژیم را به مثابه یک کشور به رسمیت بشناسند. طرفداران این نظریه معتقدند رهبران جمهوری اسلامی در این دام افتادند و گمان کردند ایران ظرفیت و توان تبدیل شدن به یک ابرقدرت ایدئولوژیک و سیاسی را دارد و می‌تواند نظم ظالمانه حاکم بر مناسبات جهانی را با مقاومت خود به چالش کشیده و آن را با همراهی دیگر ملتها و حرکتهای اسلامی تغییر دهد.

البته پیروزی انقلاب اسلامی مساله کوچکی نبود و به همین دلیل در بسیاری از دانشگاه‌های غربی مطالعات جدی درباره تاثیر این رخداد بر مناسبات بین‌المللی در دستور کار قرار گرفت و مشخصاً مطالعات

وسیعی درباره تفاوت انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌های معاصر انجام شد. در حوزه روابط بین‌الملل هم نمایندگان سه سنت متفاوت موجود (سنت واقع‌گرای، سنت انقلابی‌گری و سنت خردگرایی) وارد میدان شدند تا تاثیر انقلاب اسلامی را بر نظریه‌پردازی در این حوزه بررسی کنند. در مقابل در درون جبهه فکری معتقد به انقلاب اسلامی هم مطالعات مشابهی انجام شد. متأسفانه این مطالعات بیش از آنکه واقع‌بینانه باشد به شکل جدی تحت تاثیر هنجار مورد قبول محققان قرار دارد و بزرگ‌نمایی در زمینه تاثیر انقلاب اسلامی بر مناسبات جهانی در این تحقیقات قابل مشاهده است. در غالب این مطالعات بر موضوعاتی مانند ماهیت فراملی انقلاب اسلامی، موقعیت بین‌المللی ایران، اهمیت راهبردی خاورمیانه و خلیج فارس، احیای اسلام و بیداری اسلامی و تقویت جنبش‌های اسلامی از سوی ایران و مواردی از این دست تاکید شده و چنین القا می‌شود که گویی توان ایجاد تغییر در مناسبات جهانی از سوی جمهوری اسلامی وجود دارد و ایران به کمک متحدانش می‌تواند نظم جدیدی را بر جهان حاکم کند. برخی افراد حتی مدعی طراحی نظریه «نظم نوین انقلابی» در برابر نظم نوین جهانی شدند. به اعتقاد آنان آرمان اصلی انقلاب اسلامی برپایی حکومت عدل جهانی است که تداوم راه انبیا الهی است. به نظر آنان «زمینه‌سازی برای کاربست عملی نظریه نظم نوین انقلابی با رویکرد تمدنی جز با نگاه وسیع فرامرزی و فرامنطقه‌ای به جغرافیای مقاومت در عرصه سیاست داخلی و خارجی مبتنی بر عقلانیت راهبردی انقلابی بسامان نخواهد شد و یکی از مصادیق راهبردی عقلانیت انقلابی، دیپلماسی نهضتی است که ظرفیت متحد نمودن و یکپارچه کردن ملل ستمدیده و دُول مستقل را بر محور و مدار مقاومت بارها به اثبات رسانیده است.» نویسندگان این نظریه مدعی هستند «سیاست راهبردی انقلاب اسلامی در منطقه باید به سمت به صفر رساندن نفوذ امریکا در منطقه مدیریت و هدایت گردد که بدون توجه و اهتمام جدی به این موضوع، نظم سیاسی مطلوب انقلاب یعنی نظم نوین انقلابی در منطقه و در جهان شکل نخواهد گرفت و این مهم نکته‌ای است که رهبر معظم انقلاب با هوشمندی و هوشیاری تمام، صریح و صادقانه در بیانیه مهم گام دوم انقلاب به مثابه «مانیفست انقلابی‌گری» مورخ 22 بهمن 1397 با عنوان «برچیدن بساط نفوذ نامشروع امریکا از منطقه غرب آسیا» روی آن تاکید ویژه نموده است.» این‌گونه تحلیل‌ها و راهبردها به هیچ‌وجه از سوی واقعیت‌های موجود حمایت نمی‌شود ولی ظاهراً به سیاست کلان جمهوری اسلامی تبدیل شده است. با کدامین پشتوانه و با تکیه بر کدامین منابع قدرت می‌توان مدعی ایجاد نظم نوین انقلابی در مقابل نظم نوین امریکایی شد؟ این يك واقعیتی است که در نظام بین‌الملل و در مناسبات میان

